



تقریرات دروس خارج فقه

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرّسی طباطبائی یزدی (دامت برکاته)

سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹

جلسه بیست و سوم؛ سه‌شنبه ۱۳۹۹/۸/۶ (فقه معاصر - جلسه دوم)

تعریف پول

بیان کردیم پول چهار ویژگی اصلی دارد و ممکن است بعض خصوصیات دیگر هم داشته باشد که به تعدادی از آنها اشاره کردیم. اما باید توجه داشت برخی آثار که اقتصاددان‌ها برای پول ذکر کرده‌اند، در حقیقت آثار پسینی پول است؛ یعنی آثاری که بر پول بعد از تحققش مترتب می‌شود که این آثار داخل در ماهیت پول نیست. و اگر خواسته باشیم پول را یک مقدار فنی‌تر معنا کنیم، بهتر است اینگونه تعریف کنیم: «پول مالی است که به طور معمول در یک اجتماع می‌تواند عوض هر کالا و یا خدمت، در هر شرایطی قرار گیرد».

براساس این تعریف، چون مالیت از مقومات پول است و به منزله جنس آن می‌باشد - هرچند جنس حقیقی نیست؛ چراکه پول امری اعتباری است - پس باید تمام ویژگی‌های هشت‌گانه‌ای که برای مال خواهیم گفت دارا باشد، علاوه آنکه این ویژگی‌ها را نیز دارا می‌باشد:

ویژگی اول: پول گرچه نسبت به مطلق مال دارای تعینی است که در تعریف آمده است - زیرا گفتیم مالی است که این خصوصیات را داشته باشد؛ یعنی باید خصوصیات علاوه بر خصوصیت مالیت و مفهوم آن داشته باشد و إن شاء الله تعریف مال هم خواهیم آمد - منتها باید توجه داشت غیر از تعین مذکور، هیچ تعین دیگری ندارد.

ویژگی دوم: پول به طور معمول و متعارف در یک اجتماع، در زمینه ارائه کالا یا خدمت به دیگران در ازای بدل مفهوم می‌یابد. کالا اعم از خوراکی، پوشاکی، مرکب، مسکن و سایر چیزها. خدمت هم اعم از

خدمتی که پزشک، برقکار، مهندس و سایر مشاغل خدماتی ارائه می‌دهند.

ویژگی سوم: چیزهایی که به طور غیر معمول و به طور استثناء هنگام مبادله پذیرفته می‌شود پول نیست.

ویژگی چهارم: در یک جامعه پول می‌تواند متعدد باشد.

ویژگی پنجم: پول به حسب معنای اولی آن، نیاز به تأیید نیروی حاکم ندارد. بله، حاکمیت به واسطه قدرتی که دارد می‌تواند با مزاحمت یا با رفع ید از حمایت، پولی را از ارزش ساقط کند، ولی این اختصاص به حاکمیت ندارد و اگر هم نیروی دیگری بتواند بر روی رغبت مردم یا ندرت شیئی اثر بگذارد، می‌تواند پول را از پول بودن ساقط کند.

خلاصه اینکه در تعریف پول گفتیم: «مالی است که به طور معمول در یک اجتماع می‌تواند عوض هر کالا و یا خدمت، در هر شرایطی قرار گیرد». در این تعریف، مالیت به منزله جنس برای پول است، لذا پول باید تمام ویژگی‌های هشت‌گانه‌ای را که برای مال ذکر خواهیم کرد داشته باشد، علاوه آنکه ویژگی‌های پنج‌گانه مذکور را نیز دارا باشد.

و روشن شد که پول به جز تعینی که در تعریف آمده، هیچ تعین دیگری ندارد به این معنا که لزومی نکرده طلا، نقره، اسکناس، نیکل یا چیز دیگر باشد. همچنین گفتیم پول یک مفهومی است که فقط در زمینه ارائه کالا یا خدمت به دیگران به ازاء بدل معنا پیدا می‌کند و اگر زمینه ارائه کالا یا خدمت به دیگران نباشد، پول معنا ندارد. پس اگر در جایی فرضاً کسی بخواهد تنها زندگی کند، در آنجا چون جامعه‌ای نیست تا تبدلی اتفاق بیفتد، لذا پول هم نمی‌تواند معنا داشته باشد. همچنین گفتیم پول آن چیزی است که به طور معمول پذیرفته می‌شود، لذا چیزهایی که به طور غیرمعمول و استثناء هنگام مبادله پذیرفته می‌شوند، این‌ها پول نیستند، مانند اینکه کسی پول نداشته باشد و به فروشنده بگوید این انگوی طلا یا سکه بهار آزادی را به عنوان عوض بگیرد که اینها استثناء هستند.

امر دیگر اینکه براساس این تعریف، پول در جامعه می‌تواند متعدد باشد و حتماً نباید یک نوع خاص باشد، بلکه هر مالی که خصوصیات مذکور برای پول را داشته باشد، پول می‌شود؛ مانند جوامع قدیم که پول نزد آنها هم طلا بود و هم نقره.

و آخر اینکه پول برحسب معنای اولی آن نیاز به تأیید نیروی حاکمی ندارد. شاید در ذهن بسیاری اینگونه باشد که پول، یک امر حقوقی است که باید حاکمیت آن را تأیید کند، در حالی که تأیید حاکمیت

لزومی ندارد و حتی اگر حاکمیت مخالف هم باشد اما مالی خصوصیات مذکور را داشته باشد، آن مال پول می‌شود. مگر اینکه حاکمیت کاری کند که آن خصوصیات ملغی شود و الا اگر حاکمیت نتوانست یا نخواهد که این خصوصیات را ملغی کند، مشکلی از جهت پول بودن وجود ندارد. بنابراین اگر مالی خصوصیات مذکور در تعریف را داشته باشد اما هیچ دولتی نتواند این خصوصیات را از آن دور کند، آن مال پول می‌باشد هرچند هیچ دولتی آن را به عنوان پول نپذیرفته باشد.

تعریف مال

همان‌طور که اشاره کردیم «مال» به منزله جنس برای پول است اما جنس حقیقی نیست؛ زیرا جنس و فصل مربوط به چیزهای حقیقی است، در حالی که پول یک امر اعتباری است که در اجتماع مفهوم پیدا می‌کند و مردم آن را اعتبار می‌کنند.

به هر حال مال مکرراً در کتاب و سنت و فتوای فقهاء موضوع حکم قرار گرفته است، از جمله: «لا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ»، «لا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ»، «لَا يَحِلُّ مَالُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِلَّا بِطَيِّبِ نَفْسِهِ»، «من اتلف مال الغير فهو له ضامن»^۱ و نظیر اینها، برخلاف پول که هرچند به عنوان نقدین که اشاره به پول طلا و نقره است، زیاد مورد حکم است اما به عنوان پول مطلق یاد ندارم که در کتاب و سنت جایی مورد حکم قرار گرفته باشد. بدین جهت تعریف مال که مقوم پول است، مهم بوده و بلکه مهم‌تر از تعریف پول است. منتها در کتب فقهیه با اینکه خیلی درباره مال صحبت شده، اما خیلی به تعریف مال پرداخته‌اند و حتی برخی به این اکتفاء کرده‌اند که «مال آن چیزی است که به ازای آن معلوم المالیه داده می‌شود» و تعریف مال را به همان ارتکاز و وضوح ارتکازی‌اش واگذار کرده‌اند.

به هر حال در تعریف مال می‌گوییم:

مال چیزی است که در جامعه‌ای مورد رغبت تعداد قابل توجهی از مردم باشد و به اندازه رغبت به آن در دسترس نباشد و شأنیت و قابلیت انتقال نیز داشته باشد.

ویژگی‌های مال

از تعریفی که برای مال بیان کردیم، ویژگی‌های زیر استفاده می‌شود. منتها باید توجه داشت بعضی از این

۱. البته ممکن است به این لفظ نباشد ولی مفادش استفاده می‌شود.

ویژگی‌ها، برهان خاصی ندارد و فقط تحلیل ارتکازات عرف است. به هر حال ویژگی‌های مال عبارتند از:

یک: مال در **اجتماع انسانی** معنا پیدا می‌کند و اگر اصلاً جامعه‌ای نباشد، مالیت انتزاع نمی‌شود؛ زیرا گفتیم مال چیزی است که مورد رغبت تعدادی از افراد باشد و در عین حال قابلیت مبادله نیز داشته باشد. بدین جهت اگر جامعه‌ای نباشد، رغبت افراد متعدد و مبادله اصلاً معنا ندارد.

دو: مال باید چیزی باشد که برای انسان‌ها نوعی فایده داشته باشد ولو با واسطه - و با کمک اعتبار - تا مورد رغبت آنان قرار گیرد، اما اگر چیزی هیچ فایده‌ای برای انسان نداشته باشد، دیگر مورد رغبت قرار نمی‌گیرد، مانند شن‌های بیابان که هیچ فایده‌ای برای انسان ندارد و لامحاله کسی هم رغبتی به آن ندارد.

سه: رغبت یک یا حتی چند فرد کافی برای تحقق مالیت نیست؛ بنابراین اگر چند نفر رغبت به شیء خاصی داشته باشند ولی این علاقه در دیگران نباشد، آن شیء مال نیست.

چهار: باید به نسبت رغبت جامعه به آن **ندرت** داشته باشد. پس چیزی که همه به آن رغبت دارند اما به وفور در اختیار طالبان آن قرار دارد، مال نیست؛ مانند هوا که همه افراد به آن رغبت دارند ولی بحمدالله در اختیار همه است و هرکس به اندازه‌ای که بخواهد می‌تواند از آن استفاده کند.

پنج: مال باید این شأنت و نیز قابلیت را داشته باشد که بتواند از تحت تسلط شخصی به دیگری انتقال یابد به گونه‌ای که منتقل‌الیه ولو بعد از چندین دست حقیقتاً هرچند به برکت اعتبار بتواند از آن بهره‌ای ببرد. بنابراین چیزهایی که شأنت یا قابلیت انتقال به دیگری را ندارد مال نیست. برای چیزی که **عرفاً شأنت** انتقال به دیگری را ندارد - ولو اینکه قابلیت تکوینی انتقال را دارد - می‌توان به **اعضای بدن** انسان مثال زد که به طور فطری خود فرد باید از آنها استفاده کند و انتقال آنها یک امر استثنائی است، لذا مادامی که در بدن فرد است در شرایط امروزی، مال نمی‌باشد؛ مثلاً کسی که سالم است و واجد دو کلیه می‌باشد، می‌تواند یک کلیه خود را منتقل به دیگری کند و حتی در مقابلش پول بگیرد، اما از آنجا که کلیه جزء نیازهای ضروری یا شبه ضروری خود فرد است و عرفاً شأنت انتقال را ندارد و اگر هم احیاناً در جایی منتقل به دیگری شود به عنوان یک استثناء است، لذا مال نمی‌باشد و عرفاً گفته نمی‌شود آن فرد بالفعل مال دارد. بله، ممکن است شرایط فرق کند و چنانکه بعداً توضیح خواهیم داد این مسئله هم فرق کند و بر کلیه اطلاق مال شود؛ مثلاً متقاضی کلیه زیاد شود و از طرف دیگر اعطای کلیه آسان شود و شرایطی فراهم آید که افراد به راحتی بتوانند یک کلیه را اهداء کنند و با کلیه دیگر بدون اینکه خطری آنها را تهدید کند زندگی کنند. در این شرایط چه بسا کلیه هم مالیت داشته باشد، ولی فعلاً حداقل در محیط‌هایی که با آن آشنا هستیم، مالیت

ندارد.

و برای چیزی که قابلیت انتقال به دیگری ندارد می‌توان به بلندی قامت یک فرد مثال زد که قائم به اوست و به همین عنوان «بلندی قامت» قابلیت انتقال به دیگری را ندارد و لذا بر آن اطلاق مال نمی‌شود، هرچند فایده داشته باشد و بتواند بسیاری از کارهایی را انجام دهد که افراد کوتاه قد نمی‌توانند انجام دهند.

ویژگی ششم: همان‌طور که اشاره کردیم قوام مالیت به رغبت و ندرت است؛ یعنی رغبت مردم به آن شیء از یک طرف و نادر بودن آن شیء از طرف دیگر. و از آنجا که رغبت و ندرت در مکان‌های مختلف می‌تواند متفاوت باشد، لذا ممکن است شیئی در یک محیطی مال نباشد ولی در محیط دیگر مال باشد؛ مثلاً در جامعه ما اصلاً رغبتی به سوسک و امثال آن از حشرات نیست بلکه نسبت به آن اشمئزاز هم دارند مگر اینکه کسی خواسته باشد آنها را ببیند آن هم در حدی نیست که حاضر باشد در مقابلش هزینه کند. اما در بعض محیط‌های دیگر چون از این حشرات به عنوان تغذیه استفاده می‌کنند، نسبت به آن رغبت دارند و در نتیجه اگر ندرت داشته باشد مالیت هم می‌تواند داشته باشد. «ندرت» نیز چنین است؛ یعنی ممکن است شیئی در مکانی نادر باشد اما در مکان دیگر به وفور یافت شود. نسبت به زمان نیز چنین می‌باشد؛ یعنی ممکن است شیئی در زمان خاصی مورد رغبت مردم نباشد و یا ندرت نداشته باشد اما در زمان دیگر مورد رغبت بوده و یا ندرت داشته باشد. بنابراین از آنجا که مالیت تابعی از رغبت و ندرت است، لذا ممکن است چیزی در مکان یا زمان خاصی مال نباشد ولی در مکان یا زمان دیگری مال باشد.

ویژگی هفتم: رغبت و ندرت دو مفهوم تشکیکی و کشان هستند و قابل اشتداد و تضعف می‌باشند و ممکن است در مکانی شدت بیشتر داشته باشند و در مکان دیگری آن شدت را نداشته باشند، چنانکه از لحاظ زمان هم چنین است و ممکن است رغبت یا ندرت در زمانی شدت داشته باشد اما در زمان دیگر شدت نداشته باشد، لذا مالیت که حاصل تلاقی این دو امر است نیز بالتبع یک مفهوم کشان است و قابلیت شدت و ضعف دارد، و به حسب امکان، ازمنه و سایر شرایط قابل تغییر می‌باشد؛ مثلاً آب در زمستان هم فراوان است - به واسطه بارندگی و جهات دیگر - و هم رغبت مردم به آن و تقاضایش کمتر است، از این جهت در زمستان در حالت عادی مالیتش در پایین‌ترین حد است و یا یک قطعه یخ در زمستان که به طور طبیعی هم رغبت به آن کمتر است و هم وجودش بیشتر است خصوصاً در مناطق سردسیر، قیمتش بسیار پایین است. اما اگر همین آب یا یخ در تابستان باشد، هم رغبت مردم به آن بیشتر است و هم نوعاً فراوانی‌اش کمتر است لاسیما نزدیک آخر تابستان، و بالتبع مالیت آن نسبت به زمستان بیشتر است.

کما اینکه در مناطقی که کشاورزی می‌شود، قیمت آب وابسته به عرضه و تقاضاست و اواخر تابستان که آب کم می‌شود و نیاز به آن بیشتر می‌شود، مالیت آن نسبت به سایر ایام بیشتر می‌شود، ولی در زمستان که مردم نیازشان کمتر است و در مجموع هم آب بیشتر است، قیمتش پایین‌تر است.

از لحاظ مکان نیز چنین است و اگر روستایی در کویر واقع شده باشد، به جهت اینکه آب در آنجا کمتر است و رغبت مردم به آن بیشتر است، معلوم است که قیمت بالاتری دارد. اما در مناطقی که آب فراوان است و مردم رغبت کمتری به خرید آب دارند، قیمت در آنجا کمتر است. البته ممکن است عوامل دیگری دخالت کند و قیمت‌ها را در تابستان و زمستان ثابت نگه دارد، اما این فروض خارج از محل بحث است.

بنابراین عرضه و تقاضا یا رغبت و ندرت، اموری کاملاً تشکیکی و قابلیت اشتداد و ضعف هستند و مالیت هم که برآیند این دو است بالتبع شدت و ضعف دارد و می‌تواند نوسان داشته باشد، به گونه‌ای که هرچه رغبت بیشتر شود و ندرت ثابت بماند و یا ندرت متغیر شده و کم شود اما رغبت ثابت بماند، قیمت و مالیت بیشتر می‌شود. و بالعکس اگر رغبت کم شود در فرض ثبات ندرت و یا ندرت تبدیل به وفور شود در فرض ثبات رغبت، قیمت کم می‌شود. صورتی هم که هر دو متغیر باشند روشن است. کما اینکه در ویژگی ششم گفتیم مالیت در زمان یا مکانی می‌تواند محو شود و در زمان یا مکان دیگری پیدا شود؛ مثلاً اگر نهر تمیزی جریان داشته باشد و فرد کنار آن نهر نشسته باشد و فرد دیگری بخواهد یک لیوان از آب آن نهر را به او بفروشد، هیچ ارزشی ندارد، اما همان لیوان آب در دل کویر مالیت دارد.

ویژگی هشتم: خصوصیات و ویژگی‌هایی که در تعریف مال ذکر کردیم، باید بالفعل موجود باشد، لذا اگر چیزی این قابلیت را داشته باشد که بعداً ویژگی‌های مذکور در آن پدید آید، مانند اینکه هوا تبدیل به اکسیژن خالص شود یا قد بلند در اختیار دیگران برای برخی امور قرار گیرد، الان بر آنها صدق مال نمی‌شود، هرچند بعد از طی آن فرآیند مال می‌شوند؛ مثلاً اگر کسی شخص بلند قدی را از حیث توانایی که این قد بلند دارد - به اضافه چیزهای دیگر مانند تحرک - به عنوان یک مانکن یا دکور استخدام کند، شاید صرف قد بلند در این فرض بتواند مال باشد برای کسی که آن قرارداد را نوشته است، اما با صرف نظر از این جهت، قد بلند من حیث قد بلند مال نیست. یا مثلاً هوا این قابلیت را دارد که با استفاده از دستگاه‌های خاصی از آن اکسیژن خالص تولید کنند که در بیمارستان‌ها و بعضی جاهای دیگر بسیار مورد رغبت و نیاز است، اما مادامی که این فرآیند طی نشده باشد مال نیست.

بنابراین خصوصیتی که در تعریف مال یا تعریف پول و هرجای دیگر گفته می‌شود، مقصود این است

که بالفعل آن خصوصیات موجود باشد.

به هر حال مال باید خصوصیات مذکور را داشته باشد و فرقی هم نمی‌کند منشأ این خصوصیات تکوین باشد، یا تشریع و یا اعتبار محض عقلایی. و از آنجا که در تعریف «پول» گفتیم مالی است که خصوصیات مذکور را داشته باشد، معلوم می‌شود خصوصیات هشت‌گانه‌ای که برای مال گفتیم باید در پول هم موجود باشد؛ زیرا «پول» مال است به اضافه چند ویژگی دیگر.

و همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم در بعضی از روایات یعنی توحید مفضل، عبارتی وجود دارد که اشاره به بعضی از ویژگی‌ها و خصوصیات مال می‌کند و سایر خصوصیات چون ارتکازی بوده ذکر نشده است. این روایت شریف می‌فرماید: «نَفَاسَةُ الْأَشْيَاءِ مِنْ عَزَّتِهَا»^۲؛ یعنی ارزش و قیمت اشیاء، به خاطر عزت و ندرت آنهاست و هرچه ندرت شیء نسبت به اشیاء دیگر بیشتر باشد و از آن طرف رغبت هم بیشتر باشد، قیمت بیشتر می‌شود و این عبارة اخرای آن است که قیمت و ارزش اشیاء، از برخورد عرضه و تقاضا نسبت به آنها حاصل می‌شود.

همچنین از آنچه در تعریف مال گفتیم روشن می‌شود آنچه که در روایات و آیات شریفه به عنوان مال موضوع حکم قرار گرفته و یا آنچه که موضوع احکام قرار گرفته ولی لفظ مال در آن نیامده منتها عرفاً قوامش به مال است، باید خصوصیات مذکور در تعریف مالیت را داشته باشد؛ مثلاً در رابطه با بیع، در آیات و روایات شریفه لفظ مال نیامده بلکه خداوند متعال فرموده است: «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا»، منتها عرفاً درون لفظ بیع مالیت وجود دارد؛ زیرا ما بیع را به «تبدیل مال بمال ما اعتباراً» معنا کردیم یا در مصباح‌المنیر آمده بود «مبادلة مال بمال»، پس در حاق معنای بیع این مطلب نهفته است که ثمن و مثن هر دو باید مالیت داشته باشند، و در نتیجه باید هر دو خصوصیات مذکور در تعریف مال را داشته باشند. البته قبلاً اشاره کردیم که بعضی از اعلام از جمله سید خویی و السید الامام علیهما السلام ادعا کرده‌اند که مبیع لازم نیست مال باشد بلکه غیر مال هم می‌تواند باشد. اما ما در آنجا به کلام این دو سید بزرگوار پاسخ دادیم.

به هر حال آنچه لازم است در بررسی حکم فقهی پول‌های رمزین شده مورد توجه قرار دهیم آن است

۲. توحید المفضل، ص ۱۵۳:

...فَإِنَّهُ أَرَادَ جَلَّ تَنَاضُؤُهُ أَنْ يَرَى الْعِبَادَ قُدْرَتَهُ وَ سَعَةَ خَزَائِنِهِ لِيَعْلَمُوا أَنَّهُ لَوْ شَاءَ أَنْ يَمْنَحَهُمْ كَالْجِبَالِ مِنَ الْفِضَّةِ لَفَعَلَ لَكِنْ لَا صَلَاحَ لَهُمْ فِي ذَلِكَ لِأَنَّهُ لَوْ كَانَ فَيَكُونُ فِيهَا كَمَا ذَكَرْنَا سُقُوطُ هَذَا الْجَوْهَرِ عِنْدَ النَّاسِ وَ قَلَّةُ انْتِفَاعِهِمْ بِهِ وَ اعْتَبِرْ ذَلِكَ بِأَنَّهُ قَدْ يَظْهَرُ الشَّيْءُ الظَّرِيفُ مِمَّا يُحَدِّثُهُ النَّاسُ مِنَ الْأَوَانِي وَ الْأُمْتَعَةِ فَمَا دَامَ غَرِيزاً قَلِيلاً فَهُوَ نَفِيسٌ جَلِيلٌ أَخِذْ التَّمَنِّيَ فَإِذَا فَشَا وَ كَثُرَ فِي أَيْدِي النَّاسِ سَقَطَ عِنْدَهُمْ وَ حَسَّتْ قِيمَتُهُ وَ نَفَاسَةُ الْأَشْيَاءِ مِنْ عَزَّتِهَا.

که اینگونه پول‌ها اگر خواسته باشند مورد بیع قرار گیرند - یعنی ثمن یا مثن قرار بگیرند - باید مال باشند و در نتیجه باید خصوصیات را که در تعریف مال گفتیم دارا باشند.

والحمد لله رب العالمین

تقریر و تنظیم: جواد احمدی